

## پزشکیان به دنبال رویکرد هم اصلاح طلب هم اصولگرا

این روزها اصولگرایان و اصلاح‌طلبان به صورت توأمان انتقاداتی را درباره انتصاب‌های دولت مطرح می‌کنند. انتصاب‌های مورد انتقاد، هم مربوط به استانداری‌هاست و هم وزارتخانه‌های دیگر.

به گزارش سایت خبری پرسون، روزنامه ایران نوشت: این انتقادات از جهتی درست است و از جهتی درست نیست. منظور از درست بودن انتقادات، این است که این اظهارات در چهارچوب نگرش سیاسی جناح‌ها مطرح شده و هر کسی از ظن خود یار دولت می‌شود؛ منظور از درست نبودن انتقادات هم این است که این اظهارات صرفاً با سنجه سیاسی اصلاح‌طلب-اصولگرا قضاوت شود؛ اما نکته آنجاست که دولت پزشکیان نه تماماً اصلاح‌طلب است، نه تماماً اصولگرا.

وقتی چهارچوب عملی و منطق نظری دولت پزشکیان «وفاق» است، نمی‌توان انتظار داشت مدیران دولت صرفاً با منطق اصلاح‌طلبی یا منطق اصولگرایی مدیران انتخاب شوند.

یک دوگانه قدیمی

برای نزدیک به سه دهه، حوزه سیاسی در ایران بر اساس یک دوگانه عمل کرده است؛ اصلاح‌طلب و اصولگرا. این دوگانه در حوزه سیاست، نه فقط در عمل که حتی در ذهن فعالان سیاسی هم تثبیت شد. به این ترتیب، در هر دولت، مدیران یا می‌بایست اصولگرا باشند یا اصلاح‌طلب. اصلاح‌طلب بودن یک بوروکرات، خود بهترین دلیل بود برای اینکه در دولت همسو به یک صندلی مدیریتی تکیه بزند. وقتی هم که پس از انتخابات، دولت‌ها تغییر می‌کرد، نیروهای طرف مقابل انتظار داشتند جای مدیران سابق اصلاح‌طلب را بگیرند. این انتظارات برای همه طبیعی بود؛ هم اصولگراها این قاعده را پذیرفته بودند، هم اصلاح‌طلبان بر اساس آن عمل می‌کردند. جابه‌جایی‌های گسترده مدیریتی در دولت‌ها ناشی از همین بود. این بدیهی بود که همه مدیران یک دولت، از طیف و سلیقه سیاسی همان دولت باشند.

دولت پزشکیان و راه دیگر

پزشکیان در انتخابات بارها اعلام کرد که این دوگانه را قبول ندارد. او گفت که ملاک استفاده از مدیران، توانایی مدیریتی است، نه اینکه از این جناح هستند یا آن جناح.

به عنوان مثال در یکی از موارد، پزشکیان در این‌باره گفت: «کارآمدی، تخصص و پاکدستی از معیارهای اصلی در انتخاب مدیران است. بنده نیامده‌ام تا گروه و جناح خاصی را بر سر کار بیاورم، بلکه به دنبال آن هستم مدیریت اجرایی کشور را در مسیر درست هدایت کنم.»

او در دولت همین را هم دنبال کرد. شاهد مثال حرکت دولت در این مسیر، همین است که این روزها انتصاب‌های صورت گرفته در دولت، هر دو جناح اصلی کشور را شامل می‌شوند. مثلاً در میان استانداران هم می‌توان اصولگرایان را دید، هم اصلاح‌طلبان و هم اعتدالی‌ها را. در سایر وزارتخانه‌ها هم مدیران و معاونان وزرایی از دولت سیزدهم به کار گرفته شده‌اند.

این انتصاب‌ها یک معنی دارد؛ دیگر سلیقه سیاسی و ارتباط و پیوستگی جناحی ملاک نیست؛ ملاک تخصص، توانایی و کارآمدی او است، خواه این مدیر یا وزیر یا معاون وزیر از جناح نزدیک به سلیقه سیاسی رئیس‌جمهور باشد، خواه از جناح مقابل.

چالش‌های آغازین یک گفتمان

رویه دولت پزشکیان در انتصاب مدیران که هر دو گرایش عمده سیاسی را دربرمی‌گیرد، همان وفاق است. وفاق یعنی با حفظ تفاوت سلیق سیاسی، برای مدیریت امور و کاهش مشکلات همکاری کنیم. اینکه چنین رویه‌ای در عمل چه پیامدی خواهد داشت باید دست‌کم چند ماهی صبر کرد و ثمره این سیاست را دید، اما مسأله این است که همین رویه مورد انتقاد قرار گرفته است. هم اصولگرایان درون و بیرون مجلس از انتصاب‌ها انتقاد کرده‌اند و هم اصلاح‌طلبان. جالب اینکه هر دو این جریان‌ها انتصاب‌ها را با تکیه بر اصل «وفاق» نقد می‌کنند؛ یعنی به دولت می‌گویند این انتصاب مبتنی بر وفاق نیست! این نکته خوبی است که حتی منتقدان هم سعی می‌کنند با تکیه بر گفتمان دولت، عملکرد او را نقد کنند، اما باید در نظر داشت که انتقادات صرفاً اسم وفاق را یدک می‌کشند و آنچه در عمل به عنوان وفاق در حال رخ دادن است، دقیقاً همان است که در دولت پزشکیان در حال انجام است.

بازتولید دوگانه قدیمی

به نظر می‌رسد منتقدان، یعنی هم اصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان، در حال بازتولید دوگانه سنتی و قدیمی اصلاح‌طلب-اصولگرا، اما به اسم وفاق هستند. مشکل دولت پزشکیان دقیقاً همین‌جاست. او رویکرد وفاق را در زمین سیاستی آغاز کرده که سال‌ها با یک دوگانه «یا این، یا آن» عمل کرده است، اما

پزشکیان می‌خواهد رویکرد «هم این، هم آن» را دنبال کند. این تفاوت، منشأ بسیاری از انتقادهای این روزهاست. در این شرایط ایستادگی بر این رویکرد و تثبیت سیاست «هم این، هم آن» و شکستن قالب سفت و سخت دوگانه سنتی، می‌تواند مهم‌ترین مأموریت پزشکیان «برای ایران» باشد.